

آرش و خوانندگان

ژولیده مویانی از تبارخشم

(آرش - شماره ۴)

... قرائت مقاله‌ی " ژولیده مویانی از تبارخشم " مصاحبه یکی از خبرنگاران " نیوزویک " با " ریمون آرون " رابه ذهنم تلافی کرد. " آرون " از نویسندگان معروف فرانسوی است که عقایدی دست راستی اما منسجم و واقع گرا دارد. او کتب و مقالات متعددی در امور سیاسی، اقتصادی، تاریخی، و جامعه‌شناسی نوشته‌است. مصاحبه پس از شکست شدید انتخاباتی سوسیالیست‌ها در سال ۱۹۷۸ انجام گرفته است.

در این مصاحبه (نیوزویک مورخ دهم آوریل ۱۹۷۸)، " آرون " تصویری تیره از موقعیت اجتماعی و انتخاباتی سوسیالیست‌ها عرضه می‌کند که با پیروزی بزرگ اخیر آنها تبیین کامل دارد. فکر کردم آوردن بخشهایی از این مصاحبه کمکی به تأشید این نظر باشد که واقع بینسی طراحی برنامه سیاسی حزب سوسیالیست فرانسه و عدم هراس آنها از چپ و راست چقدر صحیح و مفید بوده‌است.

در پاسخ این سؤال که آیا بدون بهم خوردن احاد کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها جبهه چپ شانس پیروزی داشت (اشاره به قطع همکاری توسط کمونیست‌ها چند روزی قبل از انتخابات مجلس ملی در آن

سال)، آرون پاسخ می‌دهد: هیچکس نمی‌تواند به درستی این پرسش را پاسخ دهد. احساس من این است که اگر کمونیست‌ها جبهه چپ را متلاشی نکرده بودند، این جبهه برای بردن انتخابات موقعیت خوبی داشت...
 س. (شکست در) انتخابات چه اثری بر اتحاد چپ داشته است؟
 ج. این موضوع به معنای پایان یافتن یک دوران سیاسی خاص است. فعلا دیگر جبهه مخالفی وجود ندارد. تنها احزابی هستند که موضع مخالف دارند.
 س. ولی آیا سوسیالیست‌ها می‌توانند وضع خود را سرو سامانی دهند؟

ج. من همیشه حزب سوسیالیست را یک افسانه انتخاباتی خوانده‌ام. این حزب محل تجمع تمایلات و دستجاتی است که بسیار از هم فاصله دارند. میان جریان‌های چپ ترالنین و مبارزان سوسیال دموکراسی نقاط اشتراک کمی وجود دارد. بین این جناحین تسوده‌ای مرکزی موجود است که به اتحاد چپ به عنوان وسیله‌ای برای بردن انتخابات اعتقاد داشته است. برای حفظ این اتحاد، سوسیالیست‌ها به مردی چون "فرانسوا میتران" احتیاج داشته‌اند که واجد این امتیاز است که اصلا سوسیالیست نیست. در عین حال من متاسفم که تنش‌های بسیار در درون حزب سوسیالیست رو به توسعه است. من شک دارم که میتران اساسا بتواند برای ریاست جمهوری ۱۹۸۱ دوباره خود را نامزد نماید.
 س. سوسیالیست‌ها با مشکل قدیمی خود مواجه هستند: آنها با یا بدون کمونیست‌ها قادر به بردن انتخابات نیستند. چگونه می‌توانند این مشکل را حل کنند؟
 ج. این مشکل حل شدنی نیست.

* * *

آری، در شرایطی که تمام قرائن حکم به شکست آنها داشت، سوسیالیست‌های فرانسوی آگاهانه کوشیدند و پیروز شدند.

"نیما ه. تهران"

.. واقعا فکر نمی‌کنید که چاپ این جور مقالات بر پیشست مبارزان ضدامپریالیسم ضربه وارد می‌آورد. معلوم است که اگر به اصطلاح "وطن دوستان ترقیخواه" امیدی داشته باشند در اتحاد با چپ و به

زانو در آوردن امیرالایم است. اگر هم حقایق در مطالب این نوع مقالات باشد، مسائل بعدی هستند که تنها پس از شکست قطعی امیرالایستها به سرکردگی امریکای جهانخوار قابل بحثند. در این مرحله هرچیزکه اتحاد فداامپریالیستی رادچار ضعف و توهم کند (نادرست) است.

" الف . مهرداد - تهران "

آزادی یک ضرورت است

(آرش - شماره ۱ و ۲)

... من نفهمیدم آقای هاومن از به قول خودشان یک رژیم منحوس دیگر چه توقعی دارند. همه کار کرده اند. آن وقت نه در مشکلات خانوادگی و نه حتی در داشتن قایق تفریحی مساله ای جدی برایشان پیش نیامده است. اگر هم شغل دانشگاهی ایشان را گرفته اند، مشاغل دیگری برایشان داده اند. آزاد و سر حال هم که در یک جامعه " فاقد آزادی " می گردند و لابد کماکان مشغول خرابکاری و تماس با رسانه های عمومی مغرب زمین هستند. می فرمایند یک دولت تمام مخالفینش را به پستهای ریاست حساس بگمارد؟ من واقعا از علت چاپ اینگونه مقالات که علیرغم ظواهر اغفال کننده بسیار میان تهنی هستند، سردر نمی آورم.

" ش . و . تهران "

... باید هم به مترجم و هم به " آرش " در چاپ این مقاله تبریک گفت. جامعه ای فاقد عنصر آزادی محکوم به شکست است. یک رژیم سیاسی اگر به حقانیت نظرگاهها و از آن مهمتر عملکرد خسود مطمئن است چه دلیل دارد که از انعکاس آزادانه حرفهای مخالفین و شرکت آنها در مراجع دانشگاهی و سیاسی هراسان باشد. وقتی خواستی اراده افلیستی را تحمل کنی این حرفها به میان می آید. نه فقط در آلمان شرقی بلکه در همه جا.

" زیبا شیرازی - تهران "